

رویکردهای اعجاز اخلاقی قرآن

حجت‌الاسلام دکتر رضا حق‌پناه* (عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی)
مهدی عبادی* (کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی)

چکیده

اخلاق از مهم‌ترین جلوه‌های قرآن کریم می‌باشد که برخی قائل به اعجاز قرآن کریم در این زمینه شده‌اند. این نوشتار در پی آن است تا با تبیین و بررسی این بعد از ابعاد اعجازی قرآن به چگونگی و نحوه طرح این وجه اعجازی به صورت مختصر بپردازد. در این نوشتار، پس از مفهوم‌شناسی و تبیین جایگاه اخلاق در قرآن، رویکردهای گوناگونی در اعجاز اخلاقی قرآن طرح شده است. در بررسی رویکردهای مختلف نسبت به اعجاز اخلاقی قرآن کریم، به این نکته رهنمون شدیم که قرآن کریم به دو اعتبار از اعجاز برخوردار است. الف) نقش تاریخی‌اش در تحول جامعه‌ای ضد اخلاق به یک مدینه فاضله و جامعه‌ای اخلاقی؛ ب) ارائه نظام اخلاقی برتر.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز، اخلاق، نظام اخلاقی.

مقدمه

اگرچه با پیشرفت علمی و تمدنی جامعه انسانی، جنبه‌های اعجاز قرآن کریم در حیطه‌های علوم طبیعی و علوم انسانی کشف و رونمایی شد، اما هنوز ابعاد بسیاری از وجوه اعجاز آن کشف نشده باقی مانده است. ابعاد اعجازی کشف شده نیز به صورت گسترده، ضابطه مند و دقیق تبیین نشده است.

از جمله این وجوه، بعد اخلاقی قرآن می‌باشد که باید با نگاهی عمیق و ژرف، پهنای اعجاز گونه آن در سراسر قرآن مورد واکاوی قرار گیرد. این نوشتار در پی آن است تا با تبیین و بررسی این بعد از ابعاد اعجازی قرآن علاوه بر نمایاندن گوشه‌ای دیگر از عظمت‌های قرآن کریم، به چگونگی و نحوه طرح این وجه اعجازی بپردازد.

مفهوم شناسی

۱) اعجاز

واژه معجزه از مصدر اعجاز مشتق از ریشه ثلاثی مجرد «ع ج ز» است که به معنای درماندگی، ناتوانی و نیز انتهای هر چیز است (ابن فارس، مقایس اللغة، ۴/۲۳۲). راغب اصفهانی می‌نویسد: عجز به معنی پایان و بن یک چیز می‌باشد (راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ۳۳۴) و در قرآن (قمر/۲۰-۱۹) نیز به همین معنی اشاره شده است. اعجاز در اصطلاح علم کلام و تفسیر، کار شگفت و امری خارق عادت است که پیامبران الهی به رغم قوانین عادی و جاری طبیعت به منظور اثبات ادعای رسالت خدایی خویش انجام می‌دهند. اموری که آدمیان عادی از انجام مانند آن در مانده‌اند. (سعیدی روشن، معجزه‌شناسی، ۱۸؛ برای اطلاع بیشتر از معنای اصطلاحی و نکاتی که بر این معنا مترتب است رجوع شود به رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۱/۵۷-۵۸) در مجموع تعاریف و ویژگی‌های یاد شده برای معجزه می‌توان نتیجه گرفت که در تحقق معجزه ۶ شرط لازم است:

۱- به خواست و عنایت خدا صورت گیرد؛

۲- به دست مدعی نبوت آشکار شود؛

۳- به گونه‌ای باشد که نشانه صدق ادعای پیامبر باشد؛

۴- خارق عادت باشد؛

۵- دیگران از انجام آن عاجز باشند و قابل تعلیم و تعلم نباشد؛

۶- همراه تحدی بوده و از معارضه سالم بماند. (شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه

مستشرقان، ۵۱).

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت وجود دارد:

اول: جهت معجزه گر [که] باید مدعی منصب الهی و تحدی کننده باشد و هدف او

هم اثبات امر محال نباشد؛

دوم: جهت معجزه [که] باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ

هم نباشد؛

سوم: جهت مخاطبان معجزه [که] باید از آوردن مثل آن معجزه، ناتوان باشند.

(رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۶۳)

۲) اخلاق

اخلاق جمع خُلُق و خُلُق است که در لغت به معنای سرشت، خوی، طبیعت و مانند آن

به کار می‌رود و به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی است که با بصیرت

درک می‌شود و در مقابل خُلُق قرار دارد که به صورت ظاهری که با چشم قابل رویت

است اطلاق می‌شود (زیبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۳۳۷/۶؛ ابن منظور،

لسان العرب، ۱۹۴/۴؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۵۹).

برخی نیز معتقدند که خلق یک صفت روحی است که با وجود آن آدمی کارها را به

مقتضای آن به آسانی انجام می‌دهد (مجمع البحرین، طریحی، ماده خلق، ۱۵۶/۵).

تعریف علم اخلاق

علم اخلاق علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب

با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری

از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و طهاره

الاعراق، ۵۱؛ طوسی، اخلاق ناصری، ۴۸؛ نراقی، جامع السعادات، ۲۶/۱-۲۷)

علامه طباطبایی در تعریف علم اخلاق می نویسد: علم اخلاق عبارت است از فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی اوست، به این غرض بحث می کند که فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آنها خود را با فضائل بیاراید و از رذائل دور کند و در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را بخود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (طباطبایی، المیزان، ۱/۳۷۰).

به تعبیر دیگر اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد، ریشه‌ها و آثار آن سخن می گوید و نیز سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می دهد (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱/۲۴).

بر اساس این تعاریف، علم اخلاق علاوه بر گفتگو از صفات نفسانی خوب و بد، از اعمال و رفتار ناشی از همان صفات راسخه در نفس نیز بحث می کند. افزون بر این، راهکارهای رسیدن به فضیلت‌ها و دوری از رذیلت‌ها - اعم از نفسانی و رفتاری - را نیز مورد بررسی قرار می دهد، بنابراین موضوع علم اخلاق عبارت است از صفات و اعمال خوب و بد، از آن جهت که برای انسان قابل اکتساب می دانند.

فلاسفه اخلاق تا کنون به پیروی از ارسطو، اخلاق را به ملکات راسخه در نفس که در اثر تکرار عمل حاصل می شود، تفسیر کرده‌اند و عبارت می‌دانند از قوای عقلیه، شهویه، غضبیه. اما موضوع اخلاق در قرآن و روایات موضوعی وسیع است که شامل ملکات و افعال (کارهای ارزشی روزانه) نیز می‌شود.^[۱] (رمضانی، آرای اخلاقی علامه طباطبایی، ۱۳۹).

در نوشتار حاضر، مراد از اخلاق، معنای عامی است که شامل صفات و ملکات اخلاقی یا همان علم اخلاق نیز می‌شود.

جایگاه اخلاق در قرآن

برای تبیین اهمیت بحث های اخلاقی در قرآن به چند امر اشاره می‌شود.

الف) اهمیت و ضرورت اخلاق از نظر قرآن، در آیات فراوانی مورد توجه قرار گرفته است تا آن جا که قرآن کریم برای هدایت کسانی که متخلق به اخلاق الهی‌اند - متقین - نازل شده است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۵) این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، هدایتی برای تقوایبندگان است.

ب) قرآن کریم تهذیب نفس و کسب ملکات اخلاقی را از مهمترین واجبات شمرده است به گونه‌ای که اگر کسی در قیامت، از فضایل اخلاقی برخوردار نباشد، روی سعادت را نخواهد دید: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ أَلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء/۸۸ - ۸۹)؛ قیامت، روزی است که مال و فرزندان به کسی سودی نمی‌رسانند، مگر کسی که باقلب سلیم نزد خدا حاضر شود.

ج) قرآن کریم اخلاق حسنه و تهذیب نفس را مایه رستگاری آدمی و رذایل و گناهان را موجب خسران و زیان انسان شمرده و می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا﴾ (شمس/۹-۱۰)؛ کسی که نفس خویش را مهذب کند، به راستی به فلاح و رستگاری رسیده است و کسی که آن را آلوده سازد، به راستی زیان دیده است.

د) از دیدگاه قرآن، یکی از اهداف مهم بعثت انبیا عليهم السلام تزکیه نفوس و تهذیب اخلاقی انسان‌ها است. در سوره جمعه آمده است: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (جمعه/۲)؛ خداوند کسی است که در بین درس ناخواندگان رسولی از خودشان برانگیخت که آیات وی را بر آنان بخواند و آنها را از آلودگی‌ها تزکیه کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد.

و در سوره مائده می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده/۱۶)؛ به تحقیق، از جانب خدا برای شما نور و کتابی آشکار آمده که خداوند به وسیله آن، کسانی را که در پی رضایت اویند، به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند و آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور به اذن خود خارج می‌سازد و به راهی مستقیم و راست هدایت می‌نماید.

روشن است که مقصود از «سبل السلام» راه‌های صعود اخلاقی و طرق نیل به کمالات نفسانی، یعنی ملکات فاضله اخلاقی است. خروج از ظلمت به سوی نور و صراط مستقیم نیز جز این معنایی ندارد که این همه، غایت نزول قرآن کریم دانسته شده است.

(و) بیشتر آیات مربوط به قصص قرآن و نیز آیات آفاقی و انفسی و آیات توحیدی و حتی آیات مربوط به احکام فقهی قرآن، صبغه اخلاقی دارند. این آیات انسان‌ها را به سوی اخلاقیات سوق می‌دهند.

در سوره شمس آمده است: علت این که قوم ثمود پیغمبر خود را تکذیب کردند، وجود رذیلت طغیان و سرکشی در نفس آنان بود: ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَيْهَا﴾ (شمس/۱۱)؛ قوم ثمود به دلیل طغیان نفسشان، (آیات نازل شده بر رسول خود را) تکذیب کردند.

در سوره یونس نیز فرموده است: ﴿أَنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ﴾ (یونس/۶)؛ به درستی که در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین خلق کرده، نشانه‌هایی است برای آنان که اهل تقوا هستند. از این آیه به دست می‌آید که هدف خداوند از بیان نشانه‌های آفاقی، تهذیب نفس و تحصیل تقوا است (غرویان، فلسفه اخلاق، ۸۴).

آیات ذیل بیانگر این موضوعند که خداوند در آیات الاحکام نیز نکات اخلاقی را ملاحظه فرموده است:

- ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه/۱۴)؛ نماز را برای یاد من بپادار.

- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۸۳)؛ روزه بر شما نوشته شد، همان‌گونه که بر پیشینیان شما نوشته شده، شاید که تقوی پیشه کنید.

- ﴿أَنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت/۴۵)؛ به راستی، نماز شما را از کارهای زشت و ناپسند نهی می‌کند.

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ (توبه/۱۰۳)؛ ای پیامبر، از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا بدان وسیله آنان را تطهیر و تزکیه کنی.

نتیجه اینکه، آنچه از آیات بالا استفاده می‌شود اهتمام فوق العاده قرآن مجید به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به عنوان یک مسأله اساسی و زیربنایی است که برنامه‌های دیگر

از آن نشأت می‌گیرد و به تعبیر دیگر، بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهمترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفسد و پدیده‌های ناهنجار می‌شمرند (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۹/۱).

لذا اگر قرآن را منشور اخلاق بنامیم و رسالت نهایی این کتاب آسمانی را تزکیه نفوس و تهذیب انسان‌ها بدانیم، مبالغه نکرده‌ایم. (غروی، فلسفه اخلاق، ۸۵)

طرح مسائل اخلاقی در تفاسیر

گرافه نیست اگر بگوییم از یک منظر تمام آیات قرآن به طور مستقیم و غیر مستقیم به تعلیم و تهذیب اخلاق مربوط می‌باشند، اما با این وجود مباحث اخلاقی در تفاسیر، به طور منسجم و سازمان یافته و با روش‌ها و قواعدی مشخص دیده نمی‌شود. شاید بتوان گفت از همان سده‌های آغازین که تفسیر وجود داشته، توجه به مسائل و نکات اخلاقی نیز مورد توجه و عنایت مفسران بوده و تا کنون نیز بسیاری از تفاسیر به جنبه‌های اخلاقی قرآن پرداخته‌اند.

در قرن اخیر که از یک سو، نیاز به مباحث اخلاقی بیشتر احساس می‌شود و از سویی دیگر شیوه‌های جدید تفسیری چون، تفسیر موضوعی و... مطرح گشته است، رویکرد اخلاقی در تفسیر قرآن بیش از پیش مطرح گردیده است.

از تفاسیر گذشتگان از مجمع‌البیان و جامع‌البیان که از اولین تفاسیر شیعه و سنی هستند گرفته تا تفاسیر عصر حاضر مانند المیزان و المنار، همگی مملو از موضوعات، مسائل و جنبه‌های اخلاقی می‌باشند.

روش‌شناسی مطالعات اخلاقی قرآن

پژوهش‌های قرآنی با نگاه اخلاقی برای کشف و تبیین مسایل و موضوع‌های اخلاقی قرآن و پاسخ به نیازها و پرسش‌های مربوط، گستره متنوع و متفاوتی دارد. قرآن پژوهی با رویکرد اخلاقی را می‌توان بر اساس جهت‌گیری محقق، روش تحقیق، موضوع و مسایل پژوهش، در محورهای زیر طبقه‌بندی کرده و سامان داد:

۱- تفسیر ترتیبی قرآن با جهت‌گیری استنباط و استخراج پیام‌های اخلاقی از آیه‌های قرآن

محقق در این نوع از پژوهش قرآنی تلاش می‌کند آیه‌ها را به ترتیب سوره‌ها و بر اساس اصول، مبانی، قواعد و ضوابط صحیح، تفسیر کند، آن‌گاه پیام‌های اخلاقی آیه‌ها را (در صورت امکان) استخراج و تبیین کند، سپس مجموعه این پیام‌ها را به تفکیک هر یک از سوره‌ها و بر اساس ساختار موضوع‌های علم اخلاق، سامان دهد. محقق با برقراری ارتباط بین پیام‌های اخلاقی همه سوره‌ها، «شبکه پیام‌های اخلاقی» قرآن را طراحی می‌کند و در گام بعدی می‌کوشد مقدمه‌های نظریه‌پردازی و نظام‌سازی اخلاقی قرآنی متناسب با نیازها و مشکلات اخلاقی جامعه را فراهم آورد تا از این راه، علاوه بر فراهم شدن زمینه‌های رویارویی علمی با مکاتب و اندیشه‌های رقیب، وجوه امتیاز و برجستگی‌های نظام اخلاقی قرآن کریم را آشکار سازد.

در این نوع از تفاسیر، مباحث اخلاقی به طور ضمنی در کنار مباحث دیگر آورده شده است. این تفاسیر از نظر پرداختن به مباحث اخلاقی شدت و ضعف دارند و با توجه به روش و گرایش مفسر، مختلف هستند.

تفسیری که با تکیه بر مباحث و موضوعات اجتماعی و جامعه به رشته تحریر درآمده اند بیشتر به اخلاق پرداخته‌اند، ولی تفاسیر ادبی و بلاغی، کلامی و فقهی به تناسب ارتباطشان، کمتر به مباحث اخلاقی پرداخته‌اند.

۲. تفسیر موضوعی قرآن با تمرکز بر موضوع‌های اخلاقی

این رویکرد از قرآن‌پژوهی به دو شیوه انجام می‌پذیرد.

الف) محقق، مسایل و موضوعات اخلاقی را بر اساس ساختار علمی موضوعات و در چارچوبی روشمند به قرآن عرضه می‌کند و با رعایت ضوابط و قواعد تفسیر صحیح، پاسخ‌های قرآن به مشکلات اخلاقی و انواع بیماری‌های اخلاقی را کشف و تبیین می‌کند.

برای نمونه در این مورد می‌توان از کتاب «اخلاق در قرآن»، تالیف آیت الله مصباح یزدی نام برد. این کتاب که در سه جلد بر اساس چهار طرح کلی؛ مفاهیم و کلیات، اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی می‌باشد، تقریباً همین شیوه را به کار برده است.

ب. محقق مسایل و موضوعات اخلاقی را از خود قرآن استخراج کرده و پس از طبقه‌بندی و ایجاد نظام علمی موضوع‌ها، آیه‌های ناظر به هر یک از آن‌ها را شناسایی و

تعیین می‌کند و آن‌گاه، به تفسیر آیه‌ها و کشف و تبیین پاسخ‌های قرآنی می‌پردازد. برداشت‌های تفسیری و استنباط‌های علمی محقق از مجموع آیات ناظر به هر یک از موضوعات و مسایل، مجموعه‌ای از گزاره‌ها را تشکیل می‌دهد که بر اساس آن، مبانی، اصول، قواعد و مفاهیم اخلاقی قرآن، استنباط و تبیین می‌شود و مقدمات نظریه‌پردازی و نظام‌سازی اخلاقی بر اساس آیات قرآن و زمینه‌های رویارویی علمی با اندیشه‌ها و مکاتب رقیب را فراهم می‌آورد.

در این باره، می‌توان از اثر اندیشمند معاصر آیت الله مکارم شیرازی نام برد. ایشان در کتاب «اخلاق در قرآن» که در واقع دوره دوم از سری تفسیر موضوعی ایشان با عنوان «پیام قرآن» است، بر اساس این شیوه به تفسیر آیات اخلاقی قرآن کریم پرداخته است. (برای اطلاع بیشتر ر.ک: لطفی، مقاله اعجاز مدیریتی قرآن؛ احسانی، محمد، همت بناری، علی، مقاله روش‌های تفسیر تربیتی، مجله قرآن و علم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۴۰).

پیشینه طرح اعجاز اخلاقی قرآن کریم

اگرچه اخلاق در قرآن کریم نمود بارز و شاید اصلی را دارا می‌باشد و بخش زیادی از کتب تفسیری و علوم قرآنی به اخلاق در قرآن اختصاص یافته است، اما طرح مسئله اعجاز در این رابطه از سوی مفسرین و محققین کمتر و با احتیاط زیادی همراه بوده است. علامه مجلسی را می‌توان اولین اندیشمند اسلامی دانست که به صورت گذرا و اجمالی به اعجاز اخلاقی قرآن پرداخته است. ایشان در کتاب ارزشمند بحار الانوار بابی را تحت عنوان «إعجاز أم المعجزات القرآن الكريم وفيه بيان حقيقة الإعجاز» به اعجاز اختصاص داده‌اند. در بیان یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن کریم، نیز چنین می‌فرماید: «ومنها أنه اقتصر على إيجاب العبادات وتحريم المنكرات والحث على مكارم الأخلاق والزهد في الدنيا والإقبال على الآخرة ولا يخفى ضيق عطن البلاغة في هذه المواد.» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ۱۶۷/۱۷)

پس از علامه مجلسی، علامه شیخ محمدجواد بلاغی، در تفسیر گران‌سنگ «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن»، به طور مفصل‌تر و آشکارتری اعجاز اخلاقی قرآن را تبیین کرده است. ایشان بیان کلامی و لفظی قرآن و وجوه مختلف اعجاز این کتاب الهی را دو معیار و

شاخصه مهم برای اثبات تحریف ناپذیری کلام الله مجید می داند (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۵/۱). در واقع بُعد اعجاز اخلاقی یکی از ابتکارات علامه بلاغی در تفسیر «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن» است که در آن، حدود اعجاز را برشمرده و معتقد است که قرآن در آموزه های اخلاقی قابل قیاس با دیگر کتب آسمانی نیست بلکه از جهتی نشان می دهد که این کتاب دست نخورده است.

علامه بلاغی در بحث اعجاز اخلاقی قرآن کریم، آموزه های اخلاقی قرآن و نیز کتب عهد قدیم را با یکدیگر مقایسه کرده و نشان می دهد که چقدر بین این دو کتاب در طرح مباحث اخلاقی فاصله است، چرا که در تورات و انجیل این آموزه ها به صورت منحنط مطرح شده و گاهی همراه با تحریف می باشد. علامه بلاغی به چند آموزه اخلاقی که در تورات و انجیل آمده است اینگونه اشاره می کند:

- از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده است که اگر کسی به روی راست شما سیلی زد، اجازه دهید به روی چپ شما هم سیلی بزند. علامه بلاغی معتقد است که این با اصل دفاع از نفس، کرامت، عزت و جهاد هم خوانی ندارد و انسان را زبون، بار می آورد (نصیری، مقاله اعجاز قرآن از منظر علامه بلاغی، با تصرف).

- از نظر علامه بلاغی؛ بحث های اخلاقی تورات فقط مختص قوم بنی اسرائیل است و این کتاب، دیگران را مورد خطاب قرار نداده است، انجیل هم نوعی تصوف و رهبانیت را برای بشر مطرح کرده است؛ بنابراین هیچ یک از این نظام های اخلاقی، جامع نیستند در حالی که قرآن ضمن دعوت همه انسان ها به عدالت، توجه به پرهیز از ستم و تجاوز به حقوق دیگران را نیز در بر دارد (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۵/۱).

رویکردهای اعجاز اخلاقی

اعجاز اخلاقی در قرآن کریم را با سه رویکرد می توان بررسی کرد که این سه رویکرد عبارتند از:

اول: اعجاز در گزاره های اخلاقی قرآن کریم

در این رویکرد هر یک از گزاره های اخلاقی قرآن کریم که در سوره های مختلف قرآن پراکنده اند، به طور مستقل مورد موشکافی قرار می گیرند و نظریه اعجاز در آن فرازها بررسی می شود.

نمونه‌هایی از برخی آیات و گزاره‌های اخلاقی قرآن بدین قرار می‌باشد:

(۱) اخلاق نیکو

- «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹)؛ «با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)»؛
- «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳)؛ «و به مردم نیک بگویید»؛
- «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/۳۴)
«بدی را با نیکی دفع کن! ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است».

(۲) صبر

- «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵)؛ «پس «صبر» کن، صبری جمیل و زیبا (خالی از هر گونه ناسپاسی)».

(۳) انفاق و سخاوت

- «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران/۹۲)؛ «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید! مگر این که از آنچه دوست می‌دارید (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می‌کنید، خداوند از آن آگاه است».
- «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/۲۹)؛ «هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد نیز دست خود را مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی».

(۴) وفای به عهد

«وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴) «و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود!»

(۵) رعایت عدالت در مجازات

«وَأَنْ عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنَّ صَبْرَتُمْ لَهِيَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل/۱۲۶)؛ «و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید این کار برای شکیبایان بهتر است».

بررسی: به نظر می‌رسد هر یک از گزاره‌های اخلاقی قرآن به تنهایی از شروط اعجاز برخوردار نیستند و لذا ادعای اعجاز در آن‌ها، نه از سوی کسی طرح شده است و نه در صورت طرح، قابل قبول خواهد بود و بطلان آن، با در نظر گرفتن شروط اعجاز روشن و آشکار است.

این گزاره‌ها علاوه بر اینکه همراه تحدی نیستند، این طور نیست که دیگران از آوردن آنها عاجز باشند و قابل تعلیم و تعلم نباشد، بلکه چه بسا مکاتب و آیین‌هایی چنین گزاره‌هایی را در آموزه‌های خود داشته باشند، همچنان که شبیه این دستورات در ادیان مسیحیت و یهودیت نیز وجود دارد.

دوم: اعجاز در نقش تاریخی قرآن در تحوّل اخلاقی جامعه

اگر نقش تاریخی قرآن در تحوّل اخلاقی جامعه زمان نزول قرآن را به نسبت جامعه قبل از نزول قرآن بررسی شود، متوجه اعجاز در آن خواهیم شد. با مطالعه تاریخ دوره جاهلیت و تاریخ اسلام متوجه این نقش عظیم در بنیان نهادن یک مدینه فاضله خواهیم شد. برای تبیین دقیق‌تر این مسئله به ویژگی‌های اخلاقی دوران جاهلیت اشاره می‌شود.

برای اولین بار واژه جاهلیت، در قرآن به دوران قبل از بعثت اطلاق شده است، بدون این که محدوده مکانی آن مشخص گردد. (جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ۷۴)

دکتر عباس زریاب خوئی به نقل از گلدزیهر در این رابطه می‌نویسد: «مقصود از جاهلیت، نادانی نیست و جهالت در برابر حلم است نه علم، مسلم است که جاهلیت در برابر اسلام است و مقصود از آن در قرآن، عصری است که با تمام موازین و ارزش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی درست در مقابل اسلام بوده است. (رک؛ خرمشاهی، دایرةالمعارف تشیع، ۲۸۴/۵، ذیل واژه جاهلیت)

در قرآن برخی از عقاید، احکام و اخلاق رذیله دوران جاهلی ذکر شده است. مانند: بت پرستی (زمر/۳)؛ زنده شدن و مردن را به طبیعت نسبت دادن (جاثیه/۲۴)؛ جن پرستی بعضی از اعراب (انعام/۱۰۰ و صافات/۱۵۸)؛ خدا را دارای فرزند دختر دانستن و پرستش فرشتگان به عنوان دختران خدا (انعام/۱۰۰، ۱۰۱؛ نحل/۵۷ و نجم/۲۱)؛ ظلم به دختران و منع کردن آن‌ها از ارث (نساء/۱۱)؛ زنده به گور کردن دختران (انعام/۱۳۷ و ۱۵۱؛ اسراء/۳۱ و تکویر/۸).

برخی دیگر از ویژگی‌های عصر جاهلیت که در تاریخ ذکر شده است، دزدی، زنا، افتراء، کینه توزی، خودپسندی، تکبر و غرور، فخر فروشی، تعصب کورکورانه قبیله‌گرایی، غارتگری، خشم و حسد می باشد. (ر.ک: سالم، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا)

ابن خلدون دوران جاهلیت را چنین توصیف می نماید: این قوم بر حسب طبیعت، وحشی و یغماگر بودند و موجبات وحشی‌گری چنان در میان آنها استوار بود که جزء خوی و سرشت آنها شده بود و از این طریق از قید فرمانبری حکام سرباز می زدند. خوی آنها غارتگری بود و روزی آنها در پرتو نفیره‌ها فراهم می آمد. (ابن خلدون، مقدمه، ۲۸۱ و ۲۸۵)

تحول اخلاقی توسط قرآن

به طور کلی قرآن با ارائه مدل‌های برتر اخلاقی توانست رذایل اخلاقی جامعه جاهلی را تصحیح کند. برخی از این مسائل اخلاقی بدین قرار می‌باشند: سبقت جویی در خیر (بقره/۴۸)؛ میانه روی (لقمان/۱۸)؛ وفای به عهد (اسراء/۳۴)؛ کظم غیظ (آل عمران/۱۳۴)؛ صابر و صادق بودن (آل عمران/۱۶) و ویژگی‌های دیگری از قبیل: تواضع؛ عدم تجسس در زندگی خصوصی افراد؛ عدم پرهیز از غیبت و تهمت؛ عفو و گذشت؛ خیرخواهی؛ خوشرفتاری؛ مقاومت در برابر ظالمان؛ دفاع از مظلومان؛ بزرگداشت پدر، مادر، کودک، زن و دختر؛ رعایت انصاف و عدل؛ کمک به مستمندان و یتیمان؛ ارزش دانستن کار؛ رعایت بهداشت؛ احترام به مالکیت افراد و ...

به این ترتیب قرآن موفق شد با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی، فضایل اخلاقی را به جای رذایل اخلاقی قرار داده و جامعه منحط زمان نزول را تبدیل به یک مدینه فاضله کند.

پروسی: این رویکرد شرایط ذکر شده در اعجاز را نیز دارد و بنابراین می‌توان ادعای اعجاز در این بخش را پذیرفت. اما در واقع این بخش چون ارتباط بسیاری با مبحث تاریخ دارد لذا از یک اعجاز تاریخی - اخلاقی برخوردار است.

سوم: استنباط نظام اخلاقی قرآن و برتری آن بر نظام‌های بشری

برای بررسی بهتر این رویکرد لازم است ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن به صورت دقیق و علمی تبیین شود.

ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن

نظام به مجموعه‌ای متناسب و متناسق از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که در تعامل با یکدیگر هستند و در پیوند متقابل و متوازن به تفسیر هماهنگ مجموعه‌ای از اشیاء یا پدیده‌های می‌پردازند. این مجموعه، مرکب از اجزاء و خرده نظام‌هایی است که با هم وحدت ترکیبی دارند.

اسلام با توجه به اینکه انسان را موجودی دو بعدی مرکب از عناصر مادی و روح ملکوتی می‌داند بر خلاف دیگر مکاتب بشری به تکامل روحی و معنوی فرد و حفظ کرامت انسانی نیز عنایت دارد و در برنامه‌ها و قوانین خود همان گونه که به مادیات توجه می‌کند به مسایل معنوی نیز می‌پردازد. مطالعه تمدن و جوامع بشری و علل انحطاط آنها در طول تاریخ این حقیقت را نمایان می‌سازد که یک جامعه تنها با وضع قوانین و قواعد حقوقی و تکلیفی محض و بدون پشتوانه نظام اخلاقی نمی‌تواند ثبات داشته و سعادت‌مند گردد. نظام اخلاقی به عنوان پایه و مبنای نظام حقوقی اسلام می‌تواند سعادت و پیشرفت جوامع اسلامی را تضمین کند (مهدوی کنی، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، ۳۲).

بر اساس آیات قرآن کریم، تزکیه نفس (توبه/۲۰-۲۱) و قرب به خداوند (شمس/۹-۱۰) از اهداف نظام اخلاقی قرآن می‌باشد (مهدوی کنی، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، ۲۹۲).

در مطالعه موردی نظام اخلاقی قرآن دو مفهوم برّ و تقوا از بیشترین اهمیت برخوردار هستند و خود نیز با یکدیگر پیوند مستحکمی دارند (شعار، فرهنگ واره اخلاق در قرآن، ۳۶).

در نهایت می‌توان ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن را این چنین لیست کرد: ارزش گذاری انگیزه بر عمل؛ الزام آور بودن دستورهای اخلاقی قرآن؛ رابطه و پیوند ناگسستنی اخلاق با فقه و حقوق؛ جمع بین وعد و وعید؛ نفی رهبانیت در مباحث اخلاقی (ر.ک: شعار، فرهنگ واره اخلاق در قرآن، ۳۶) استفاده از شیوه‌های جامع و گاه منحصر به فرد (ر.ک؛ دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، بخش سوم: تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام) توجه به آخرت و اصالت روح در مقابل بدن (فهمی‌نیا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، ۷۵ و ۹۶).

بررسی: با در نظر گرفتن ویژگی‌های نظام اخلاقی قرآن و بررسی تطبیقی آن با نظام‌های اخلاقی موجود می‌توان به این حقیقت پی برد که قرآن دارای نظام اخلاقی ویژه‌ای است که برتری و جامعیت اعجاز گونه بر دیگر مکاتب اخلاقی دارد.

جمع‌بندی

پس از طرح مقدمات در مورد اعجاز و اخلاق در قرآن سه رویکرد در اعجاز اخلاقی قرآن بیان شد که در دو مورد از آنها (نقش تاریخی قرآن در تحوّل اخلاقی جامعه و نظام اخلاقی قرآن و برتری آن بر نظام‌های بشری) ادعای اعجاز صحیح دانسته شد. بررسی دقیق‌تر و عینی‌تر این سه رویکرد، پژوهش‌های مفصلی را می‌طلبد، اما از آنجا که این نوشتار تنها درآمدی بر اعجاز اخلاقی قرآن بوده است، لذا به همین مقدار اکتفا کرده و کنکاش در این مبحث را به پژوهش‌های جداگانه و مفصل‌تر ارجاع می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

[۱] علامه طباطبایی همچنین سه مکتب عقلی، دینی و قرآنی را در مورد علم اخلاق نام می‌برند و می‌فرمایند: غایت مکتب عقلی کسب صفات و تعدیل ملکات و اصلاح اخلاق است. غایت مکتب دینی وصول به سعادت ابدی و حیات جاوید اخروی و آسایش جهان آخرت است. غایت مکتب اخلاقی قرآن، ذات خداست نه کسب فضیلت انسانی اعم از این جهان و یا آن جهانی (المیزان، ۱/۳۵۴-۳۶۲). علامه می‌گوید: مکتب سوم دعوتش به حق مطلق است، یعنی خداوند اساس تربیت خود را بر پایه توحید خالص قرار می‌دهد و نتیجه آن هم عبودیت و بندگی خالص می‌باشد. (رمضانی، آرای اخلاقی علامه طباطبایی، ۱۳۹)

منابع

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴.
۲. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و طهاره الاعراق، قم، بیدار، ۱۳۷۱.
۳. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
۴. احسانی، محمد، همت بناری، علی، مقاله روش های تفسیر تربیتی، مجله قرآن و علم، شماره ۳، پاییز و زمستان، ۱۳۸۷.
۵. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، بی تا.
۶. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا ﷺ)، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۳.
۷. دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن احمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی، رشت، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
۱۰. رضائی، رضا، آرای اخلاقی علامه طباطبایی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارمکتبه الحیاه، بی تا.
۱۲. سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران، ۱۳۸۰.
۱۳. سعیدی روشن، محمدباقر، معجزه شناسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز ۱۳۷۹.
۱۴. شاهد، رئیس اعظم، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، تهران، مرکز جهانی علوم اسلامی، زمستان ۱۳۸۶.
۱۵. شعار، جعفر، فرهنگ واره اخلاق در قرآن، تهران، آتیه، ۱۳۷۵.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، میزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۹. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، شیراز، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۲۰. غروی، محسن، درسهای فلسفه اخلاق از دیدگاه اسلام، قم، موسسه فرهنگی مبین، ۱۳۷۷.
۲۱. فهیم نیا، محمد رضا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۲۲. لطفی، امیر علی، مقاله اعجاز مدیریتی قرآن، مجله قرآن و علم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، وفاء، ۱۴۰۳.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۸۷.

۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، اسراء، ۱۳۸۵.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۲۷. مهدوی کنی، صدیقه، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
۲۸. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۲۹. نصیری، علی، مقاله اعجاز قرآن از منظر علامه بلاغی، ویژه نامه کنگره بین المللی علامه بلاغی، تهران، ۱۳۸۶.